

هم اکنون عضو شبکه تلگرام فارس شوید (<https://telegram.me/farsna>)

طلا، سکه و ارز > < یکصدین ژاپن قیمت (ریال): ۲۸,۲۵۵ تغییر: ۰ درصد تغییر: ۰.۰ (/)

گروه دیدگاه (/viewpoint/) / حوزه فرهنگ و اندیشه
(/viewpoint/culture/)

۹۵/۰۲/۱۲ :: ۰۷:۴۲

رویکرد تغییر فرهنگی و مدل برساخته «چرخه بسته کنش جمعی» در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا - بخش اول

مشخصه‌های کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا



یکی از رویکردهای توسعه جوامع که اینگلهارت و ولزل، آن را تئوریزه کرده‌اند، تغییر فرهنگی، از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود است.

چکیده

یکی از رویکردهای توسعه جوامع که اینگلهارت و ولزل، آن را تئوریزه کرده‌اند، تغییر فرهنگی، از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود است. با تکیه بر نظریه تغییر فرهنگی، می‌توان جوامع را به دو دسته کشورهای «بهره‌مند از ارزش‌های بقا و بهره‌مند از ارزش‌های ابراز وجود» تقسیم کرد. نوشتار پیش رو، با توجه به درگیری‌ها و چالش‌های نظری و مفهومی در خصوص کنش جمعی و عدم یکسانی نظر در عنوان‌گذاری برخی رویدادهای مردمی، در پی پاسخگویی به این پرسش است که «گونه‌های کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا چیستند و چه فرایندی را طی می‌کنند؟»؛ ارائه مدل برساخته «چرخه بسته کنش جمعی» برای جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا، تلاشی در جهت پاسخگویی به پرسش این نوشتار خواهد بود که با استفاده از روش‌های تبیینی-تحلیلی انجام یافته است. در این مقاله، براساس مدل برساخته کنش جمعی، «مصر» به‌عنوان مطالعه موردی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: ارزش‌های بقا، ارزش‌های ابراز وجود، کنش جمعی، جنبش اجتماعی، مصر.

مقدمه

رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل از نظریه‌پردازان مطرح و سرشناس در حوزه اندیشه‌های پساماتریالیسم و تغییر فرهنگی هستند؛ این دو نویسنده با همکاری‌شان از سال 1975، مطالعات میدانی و پیمایشی خود را در خصوص تغییر فرهنگی و ارتباط میان توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آغاز کرده، پس از چهار دوره پیمایش در سراسر جهان، کتاب نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی: توالی توسعه انسانی را در سال 2005 منتشر کردند؛ آنها در این کتاب به بازنگری نظریه نوسازی بر مبنای توسعه انسانی، تغییر فرهنگی و توسعه ارزش‌های ابراز وجود پرداخته‌اند؛ نویسندگان در این کتاب، دو ارزش بقا (Survival Values) و ابراز وجود (Self-Expression Values) را بررسی کرده، به این نتیجه رسیدند که دموکراسی فراورده گسترش ارزش‌های ابراز وجود

است. توضیح و تشریح تغییر فرهنگی اینگلهارت، از حوصله این نوشتار، خارج است اما می‌توان به آنچه مورد نیاز این نوشتار است، بسنده کرد.

انسان پس از مرتفع‌شدن ارزش‌های بقا و دستیابی به نیازهای بنیادی، به سطحی می‌رسد که خواهان ابراز بودن خود، برای تأثیرگذاری بر خود، دیگران و محیط است. بی‌گمان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعلام بودن در بعد سیاسی و اجتماعی، «کنش جمعی» (Collective Action) است که براساس شرایطی ویژه شکل می‌گیرد. اگر این مفروض را در نظر بگیریم که کنش جمعی در هر کشور، تابعی از ارزش‌ها و سطح توسعه‌یافتگی آن کشور باشد، باید گفت که در هر دسته از کشورهای بهره‌مند از ارزش‌های بقا و بهره‌مند از ارزش‌های ابراز وجود، کنش جمعی، متفاوت است؛ با توجه به این نکته، مقاله پیش رو، در پاسخ به این پرسش است که «گونه‌های کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا چیستند و چه فرایندی را طی می‌کنند؟»

نگارندگان در پاسخ به این پرسش، لاجرم به ارائه مدل برساخته «چرخه بسته کنش جمعی» پرداخته‌اند که طی آن، در این دسته از کشورها، کنش جمعی بدون تغییر فرهنگی مورد نظر و توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه شناختی که در نهایت به توسعه و توانمندسازی انسانی منجر می‌شود، فرجامی مشخص ندارد و مسئله موجد کنش، به انحای مختلف بازتولید می‌شود. مدل برساخته این نوشتار، ضمن نشان‌دادن بسته‌بودن این چرخه، مرزهای میان اصلاح‌طلبی، شورش، قیام، جنبش اجتماعی، انقلاب، جنگ داخلی و کودتا را با عنوان کنش جمعی، به‌گونه‌ای نشان می‌دهد که به‌صورت نظام‌مند (سیستماتیک) در ارتباط با یکدیگر هستند.

الف- مبانی نظری

1- ارزش‌های بقا و ارزش‌های ابراز وجود

نخستین و مهم‌ترین احساس و نیاز انسان در زندگی، بقاست؛ یعنی ضروری‌ترین لازمه زندگی که نبود آن، برابر با مرگ است؛ از این رو، چالش‌های اساسی در برابر انسان نیز آنهایی هستند که

بقا و بودن او را تهدید می‌کنند. برای بودن، می‌توان رابطه‌ای عمودی در نظر گرفت که بُن آن، بودن به معنای نفس‌کشیدن و سر آن، بودن به معنای نشان‌دادنِ بودنِ خود و بودن برای تأثیر گذاشتن بر بودنِ خود، دیگران و جامعه است؛ بنابراین، انسان با بودن معنی‌می‌یابد و با افزایش سطح امنیت بودن به معنای نفس‌کشیدن، انگیزه‌های انسان برای نشان‌دادن بودگی خود فزونی‌می‌یابد که این درحقیقت، همان گسترش ارزش ابراز وجود در اندیشه اینگلهارت و ولزل است.

مبنای اندیشه اینگلهارت و ولزل، هرم «سلسله‌مراتب نیازها» آبراهام مازلو (1987)، روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی است؛ در این هرم، مازلو معتقد است که نیازهای انسان، شامل پنج گروه اصلی «جسمانی، ایمنی، اجتماعی، نفسانی و خودشکوفایی» هستند؛ به باور وی، هریک از این نیازها، نردبانی را می‌سازد که هرگاه، نیاز رده پایین برطرف شود، رده‌های بالایی نیازها، فعال‌تر می‌شوند.

«بودن» برای انسان، هدفی اساسی است و هرگاه با مخاطره‌ای، مواجه شود، مسیر زندگی فرد در جهت مبارزه با آن شکل‌می‌یابد؛ این دلیل کاهش انتخاب‌های انسانی برای بسیاری از مردم بوده است و به نظر اینگلهارت و ولزل، آنچه از این محدودیت‌ها و مخاطرات می‌کاهد، توسعه اجتماعی- اقتصادی است. توسعه اجتماعی - اقتصادی، به‌طور مستقیم بر درک مردم از امنیت وجودی خود اثر می‌گذارد (اینگلهارت و ولزل، 2005: 23)؛ زیرا تهدیدهای اقتصادی با نیازهای بسیار بنیادین انسان‌ها، مرتبط بوده، با شتابی بیشتر درک‌می‌شوند.

با گسترش توسعه اقتصادی، تغییر فرهنگی به وجود آمده از بودن به سوی ابراز بودن و تأثیر گذاشتن، در حرکت است؛ در این جوامع، انسان با عبور از مرحله بقا به پاسداشت ارزش‌های ابراز وجود می‌پردازد که این عاملی در جهت رهایی از هر قدرت و جزم‌اندیشی می‌شود. احساس امنیت وجودی مردم در پرتو ایمنی اقتصادی، خودمختاری عقلانی و استقلال اجتماعی، به گسترش آزادی انتخاب برای انسان و عدم پذیرش جزمیات ازسوی او منجر می‌شود (اینگلهارت و ولزل، 2005: 29) اینگلهارت و ولزل، حرکت از سطوح پایین نیازها به سطوح بالاتر را در هرم مازلو،

دگرگونی از اولویت‌های مادی‌گرایانه به اولویت‌های فرامادی‌گرایانه تعبیر می‌کنند و معتقدند که دگرگونی از اولویت‌های امنیت اقتصادی و فیزیکی به سوی اولویت برای ابراز وجود و کیفیت زندگی است (اینگلهارت و ولزل، 2005:33)؛ ازسوی دیگر، انسان در زیر این چتر آزادی، استقلال و رضایت بیشینه، معنا و معنویت ویژه خود را دنبال می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان براساس رویکرد تغییر فرهنگی اینگلهارت و ولزل، جوامع را به دو دسته «بهره‌مند از ارزش‌های بقا و بهره‌مند از ارزش‌های ابراز» وجود تقسیم کرد. جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا جوامعی هستند که از نظر توسعه اقتصادی، توسعه شناختی و توسعه اجتماعی در پایین‌ترین سطوح قرار دارند که نتیجه آن، پایین بودن سطح توسعه انسانی است. سنجه‌هایی که می‌توان به‌عنوان شناخت جوامع و تقسیم‌بندی آنها بر مبنای ارزش‌های بقا و ابراز وجود به‌کاربرد، شامل شاخص‌های اقتصادی خط فقر، نرخ بیکاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی و میزان کالری؛ شاخص‌های اجتماعی و سیاسی امید به زندگی، خلاقیت فردی، محدودیت‌های اجتماعی بر انتخاب انسانی، احساس امنیت در وجوه مختلف و فرهنگ سیاسی و شاخص‌های شناختی سطح تحصیلات، دلایل تحصیل در سطوح عالی، مهارت‌های شناختی و مواردی دیگری از این نوع هستند.

ارزش‌های بقا و ابراز وجود به دلیل آنکه جهان‌بینی و افق فکری افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، در جامعه‌شناسی سیاسی، اهمیتی قابل‌توجه دارند؛ هر یک از این ارزش‌ها بر فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، شیوه حکومت‌کردن و حکومت‌شدن، نوع نظام حاکم، جهت‌گیری‌های کلان حکومتی در سیاست داخلی و خارجی، برنامه‌های تغییر و توسعه جامعه، قشر بندی، نظام اقتصادی و هر آنچه به پیوند جامعه و سیاست، مربوط باشد، تأثیرهایی بسیار مهم می‌گذارد که در تحلیل‌های کنش جمعی، گذار و قوام دموکراسی و نوع ارتباط جامعه با دولت و سیاست، عنصری بنیادی خواهد بود؛ از این رو می‌توان به مدل‌سازی و تشریح این فرضیه پرداخت که کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از

ارزش‌های بقا، دارای چرخه‌های بسته است یا به‌تعبیردیگر، کنش جمعی در این کشورها نظامی است که داده و نهاده یکسانی دارد.

2- مشخصه‌های کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا

2-1- طرح مسئله برای رسیدن به الگویی توصیفی

طی بررسی‌های نظری درخصوص جنبش‌های اعتراضی، «تعاریف، رویکردها و عنوان‌گذاری‌هایی بسیار» صورتگرفته‌اند؛ در این بررسی‌ها، اغلب، مرزهایی مشخص میان ماهیت و چیستی این جنبش‌ها تعریف نشده، به‌نوعیکه می‌توان مدعی شد، از منظر نظری، ما با آشفتگی‌هایی قابل‌توجه، روبه‌رو هستیم؛ از نظر عنوان‌گذاری، از میان گونه‌های مختلف این اعتراض‌ها شاید بیشترین شباهت‌ها در نوشته‌های متفکران میان انقلاب و جنبش‌های اجتماعی بوده‌است.

فوران (1390)، گلدستون (1387)، کوهن (1392) که آثار آنها از مهم‌ترین متون نظری فهم انقلاب‌ها هستند، میان این دو واژه، تفاوتی قائل نشده‌اند و هرگونه رخداد به قصد به‌چالش‌کشاندن حکومت فارغ از موفقیت یا عدم موفقیت آنها را در زیر عنوان انقلاب بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، گلدستون، برخی از مقالات را از جمله «جک گودین درخصوص فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی، گی سیدمن در بحث مبارزه ضد آپارتاید، گلن رایبسنون درباره انتفاضه فلسطین و انورالحق احدی درباره منازعات افغانستان» با عنوان انقلاب یاد کرده‌است. گلدستون (2011) حتی در مقاله معروف خود درخصوص تحلیل جنبش‌های اعتراضی جهان عرب، آنها را با عنوان انقلاب‌های عربی مطرح کرده‌است.

برخی نویسندگان، درواقع به‌جای آنکه درباره انقلاب بودن رویدادهای مورد بحثشان تردیدکنند، با تعابیری دیگر انقلاب بودن آنها را توجیه کرده‌اند؛ برای نمونه، ریچارد کسلر (در گلدستون، 1387)، فروپاشی دولت مارکوس در فیلیپین را انقلابی با ویژگی‌های غیرمعمول بیان می‌کند؛ همین غیرمعمول بودن را هم گودین (در گلدستون: 1387) در تحلیل اروپای شرقی پس از

1989 به‌کارمی‌برد یا جان فوران (1390: 298 تا 339) در مقاله «جامعه‌شناسی تطبیقی- تاریخی انقلاب‌های اجتماعی کشورهای جهان سوم»، رخدادهای السالوادور، گواتمالا، پرو و فیلیپین را تنها به این دلیل که یک انقلاب اجتماعی در دستورکار کنش‌گران بوده، با عنوان «انقلاب‌های نافرجام» معرفی کرده‌است؛ این درحالی است که السالوادور (1979 تا 1991)، درگیر نوعی جنگ داخلی تمام‌عیار بوده‌است که نتیجه‌ای جز آتش‌بس دربر نداشته اما جان فوران، آن را شدیدترین کوشش انقلابی در تاریخ بشری می‌داند.

آلوین استانفورد کوهن نیز در پیوست کتاب خود که به تشریح نسل سوم نظریه‌های انقلاب پرداخته‌است، چارچوب‌های تحلیلی برخی از نویسندگان را که به‌طور عمده درخصوص جنبش‌های اجتماعی هستند، با عنوان نظریه‌های انقلاب مطرح کرده‌است: نظریاتی مانند «گوستاو لوبون، تدرابرت گر، اسملسر و چارلز تیلی».

چارلز تیلی نیز در کتاب جنبش‌های اجتماعی خود با بیان این جمله که «اصطلاح جنبش اجتماعی، متعلق به هیچ‌کس نیست و همه تحلیل‌گران و منتقدان آزادند به هر صورتی که تمایل دارند، از این عبارت استفاده‌کنند» (تیلی، 2004: 7) به‌طور تلویحی، این را پذیرفته و آشکارمی‌کند که آشفتگی‌های معنایی جنبش‌های اعتراضی تا چه اندازه بالابند و بر این اساس، وی فرمول‌سازی خاصی برای شناسایی جنبش‌های اجتماعی ارائه می‌دهد و آن، همراهی پویش، رپرتوار و [WUNC]1 است؛ اما با این حال، تنها متفکری که بیشترین سعی را در چارچوب‌دهی به کنش اعتراضی به‌کارگرفته، خود چارلز تیلی است؛ وی در کتاب از بسیج تا انقلاب (1978)، مدعی است که پدیده‌هایی مانند انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی توطئه‌های سیاسی و حتی بسیاری از کودتاها انواعی مختلف از کنش جمعی هستند که با تغییر یا جلوگیری از تغییری در جامعه اتفاق می‌افتند.

نوع‌آوری نظری و تیزبینی تئوریک تیلی این اصل را نشان داده که در هر دوره، متناسب با شرایط آن دوره، نوع کنش جمعی، متفاوت خواهد بود. تیلی بیان می‌کند که در هر دوره‌ای، راه‌هایی بی‌شمار وجود دارند که مردم بتوانند آنها را برای رسیدن به هدف

مشترک به‌کارگیرند. تیلی دو اصل را در انتخاب نوع کنش جمعی به‌صورت پرسش مطرح می‌کند و آن اینکه «چه شکل‌هایی از کنش، به‌واقع در دسترس‌اند؟» و دوم، «مناسبت و کارآمدی آن ابزار است که گروه‌ها به آن باید توجه‌کنند» (تیلی، 1984: 153). طبیعی است که انتخاب نوع کنش با در نظر گرفتن سنجه‌های آن (در دسترس بودن و کارآمدی)، خود، تابعی از فرهنگ، هنجارها، سطح توسعه‌یافتگی، میزان تحصیلات کنش‌گران و نمونه‌هایی از این دست است.

2-2- تشریح الگوی برساخته چرخه بسته کنش جمعی

همان‌گونه‌که نیازهای انسان در مراحل مختلف، تغییر و تکامل می‌یابند، متناسب با آن نیازها، دغدغه‌ها و ارزش‌های او نیز دگرگون می‌شوند و این دگرگونی‌ها، نوع رفتار او را در زندگی فردی و جمعی نمایان می‌سازند؛ با این استدلال، «آغاز، فرایند و فرجام کنش جمعی» نیز در هر جامعه‌ای، تابعی از ارزش‌های آن جامعه خواهند بود. در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا به دلیل اولویت داشتن حفظ بقا و وجود جامعه‌ای با ویژگی‌های اقتدار دولتی، بیگانه‌ستیزی و جمع‌گرایی، فرایند کنش جمعی، با آغازی بسیار دیر هنگام، فرایندی خشونت‌آمیز و پیچیده و فرجامی مبهم، روبه‌روست. پیچیدگی فرایند از این‌روست که در این جوامع، کنش جمعی با گونه‌هایی متفاوت، مواجه است؛ زیرا خواست‌هایی گوناگون، مطرح بوده، کارگزاران غیرهم‌سنخ فراوانی در آن مشارکت دارند که فرجام کنش را با ابهام روبه‌رو می‌کنند و در نتیجه، چرخه کنش را به‌صورت بسته نگه می‌دارند.

چرخه بسته کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا، شامل مجموعه‌ای از کنش‌هاست که هر یک به‌رغم تعریفی جدا و روندی خاص، به‌صورت سامانه‌وار در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند؛ کنش جمعی در این جوامع، همواره با یک مسئله و مشکل آغاز می‌شود؛ این مشکل می‌تواند طیفی گسترده از مسائلی مانند تورم، بیکاری، بی‌عدالتی، تا فقدان آزادی‌های سیاسی، نادیده‌انگاری ارزش‌های جامعه و از همه مهم‌تر، تلاش‌های دولت برای بقا و امنیت خود باشد.

پس از ایجاد مسئله، همواره گروه‌هایی پیشرو در جامعه هستند که از راه فعالیت‌های روزنامه‌ای، جهت‌گیری‌های حزبی، نشست‌ها، تبلیغات رسانه‌ای، مذاکره با مقام‌ها، تلاش‌های انتخاباتی و به‌طور کلی، آنچه چارلز تیلی از آن به‌عنوان رپرتوار [2] جنبش اجتماعی یاد می‌کند (تیلی، 2004: 3)، سعی دارند، آن مسئله را حل کرده، به نخبگان سیاسی گوشزد کنند که نتیجه آن، چیزی جز نادیده‌انگاری از سوی دولت و دستگیری و زندانی اصلاح‌گرایان، تعطیلی روزنامه‌ها و اعلام فضای بسته به بهانه حفظ رژیم نخواهد بود؛ این روند، تداوم و تشدید مسئله را موجب می‌شود.

با به‌وجود آمدن مشکل، برخی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، فکری و مدنی، ممکن است به شکل‌گیری نوعی جنبش اجتماعی محدود و مقطعی روی آورند که نتایجی قابل‌انتظار را رقم نمی‌زند؛ این جنبش می‌تواند گروه‌های اصلاح‌طلب را در جامعه گسترش دهد و طرح اصلاحات را پیروان و از طرف دیگر، ممکن است اعمال اصلاح‌طلبان به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی منجر شود؛ اما این جنبش‌ها محدود و فاقد فراگیری عمده در سطح جامعه هستند و توان به‌چالش کشیدن دولت را ندارند. افزایش دامنه اعتراض‌ها به دلیل فزونی یافتن مسئله موجد کنش و عدم موفقیت اصلاح‌طلبان در به‌چالش کشیدن دولت و برآورده کردن انتظارات شهروندان، داده‌ای برای آغاز شورش است.

آنچه در شورش رخ می‌دهد، به‌طور صرف، اعلام عصبانیت عمومی و بیان خشم بدون ارائه آلترناتیو و اهداف است. با گسترش یافتن دامنه شورش، ممکن است دولت به انجام اصلاحاتی دست بزند اما این اصلاحات دیر هنگام، به تضعیف بیشتر رژیم‌ها منجر می‌شوند زیرا «این اصلاحات از یک طرف، به‌منزله اقرار به نقض رژیم بوده، از طرف دیگر، مشوقی برای اعمال فشار بیشتر بر حکومت هستند» (گلدستون، 1387: 16)؛ علاوه بر این، دولت آن‌قدر نزد توده مردم بی‌اعتبار شده است که کنش‌گران، هیچ‌یک از وعده‌ها و اصلاحات را عمیق و قابل‌اعتماد نمی‌دانند و آنها را پوچ و بی‌ارزش می‌شمارند و به قول ماکیاوول معتقدند که این اقدام‌ها از سر ناچاری بوده‌اند.

با گسترش دامنه شورش و وسعت‌یافتن مسئله اولیه، گروه‌های مخالف در ارائه راه‌حلی برای پایان‌دادن به بحران می‌کوشند؛ قیام در این مرحله از کنش جمعی شکل‌می‌یابد که نهاده آن پس از یک دوره برزخی می‌تواند انقلاب، جنگ داخلی، کودتا یا حمله خارجی باشد و این امکان نیز وجود دارد که هریک از این برایندها به دیگری تبدیل‌شود؛ هریک از این نتایج، نه‌تنها از میان‌برنده مسئله موجد کنش نیستند بلکه ایجادکننده مسائلی دیگر نیز خواهند بود که در نمودار زیر به‌تصویرکشیده شده‌است.

درخصوص گسترش کنش جمعی، از یک مسئله تا دگرگونی در ساختارها بایدگفت که این ناشی از «چرخه اعتراض» است که سیدنی تارو، آن را مطرح کرده، دلاپورتا و دیانی، از آن استفاده می‌کنند (دیانا، 2006:188). چرخه اعتراض، مفهومی برای تحلیل تحول گونه‌های کنش جمعی، در طول زمان است. ویژگی‌های یکسان «چرخه اعتراض» را می‌توان به‌طور کلی، این موارد دانست: گسترش شتاب‌زده کنش جمعی به بخش‌های مختلف جامعه، گسترش خلاقیت در گونه‌های مبارزه، پیدایش چارچوب‌های تازه کنش جمعی، آمیختگی مشارکت سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته و پیوستگی تعامل‌های شدت‌گرفته که می‌تواند به اصلاح، سرکوب و انقلاب منجرشود (ترو، 1994:153).

2-3- نهاده‌های قیام و بازتولید مسئله در چرخه بسته کنش جمعی

پیچیدگی کنش جمعی در کشورهای دارای اولویت بقا، چیزی است، فراتر از آنچه در بالا گفته شده. همان‌گونه‌که در نمودار بالا نشان داده شده‌است انقلاب، کودتا، جنگ داخلی و احتمال حمله خارجی، «نهاده‌های قیام» به‌شمار می‌روند که این امکان نیز وجود دارد، هریک از این پیامدها به دیگری تبدیل‌شود؛ هریک از این نتایج، خود دارای نتایج احتمالی هستند که کنش جمعی را به فرجامی خواهند رساند؛ این فرجام، تداوم مسئله یا بازتولید مسئله در اشکال جدیدتر و آغاز دوباره کنش (چرخه بسته) خواهد بود. برای انقلاب می‌توان دو پیامد اصلی و متناوب را شناسایی کرد: شکست انقلاب و تداوم مسئله به همراه اتمیزه‌شدن جامعه،

تغییر رژیم و ظهور دیکتاتوری و در نتیجه، بازتولید مسئله اصلی که به کنش جمعی معطوف به انقلاب منجر شده است. جنگ داخلی می‌تواند به کودتا و کودتا نیز می‌تواند به جنگ داخلی تبدیل شود.

بر اساس جمله‌ای معروف که می‌گوید: «مردم در انقلاب‌ها هیزمکش آتش هستند» می‌توان نقش مردم را در هر کنشی به‌ویژه در کشورهای بهره‌مند از ارزش‌های بقا، ناچیز و سیاهی‌لشکر دانست زیرا در کشورهای که تغییر فرهنگی رخ نداده و دموکراسی در آنها برقرار نباشد، هر کنشی از یک مسئله کوچک آغاز می‌شود و در نهایت، به مبارزه بر سر قدرت کشیده می‌شود. کنش جمعی پس از جلب توجه ملی و پاسخ دولت، به مرحله اوج منازعه می‌رسد که ویژگی این مرحله، وجود سازمان‌دهندگان جنبش است. پس از فروکش کردن اعتراض در قالب شکل‌گیری انقلاب یا پیروزی و شکست جنبش، این نخبگان و احزاب هستند که ابتکار عمل را در دست می‌گیرند (ترو، 1994:168) و به‌طور مجدد، زمینه‌های شکل‌گیری مسئله موجد کنش جمعی، فراهم می‌شوند.

ب- مطالعه موردی: کنش جمعی مصر در ابتدای قرن 21

1- تغییر فرهنگی و ارزشی در مصر

فرهنگ و ارزش‌ها به‌نسبت تحولات جامعه در طول زمان با تغییرهایی همراه هستند؛ این تغییرهای تدریجی به صورت‌های ظاهری و باطنی، خود را نشان می‌دهند. مهم‌ترین عامل تغییر فرهنگی از نظر اینگلهارت و ولزل، توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصادی به‌عنوان مسیر افزایش حق انتخاب و گذر از ارزش‌های بقا، تغییر فرهنگی/ ارزشی به‌سوی ارزش‌های ابراز وجود را به‌ارمغان می‌آورد. جهان عرب به‌عنوان منطقه‌ای با مشخصه‌های پدرسالاری، فقدان نهادهای دموکراتیک، رانت نفتی، سطوح پایین فرهنگ مدنی و دموکراتیک همراه با فزونی سطح تحصیلات (به‌مثابه استقلال عقلانی و شناختی) و رشد بالای اقتصادی (به‌مثابه استقلال مالی و افزایش حق انتخاب)، نتوانسته است، تغییر فرهنگی- ارزشی یادشده را به‌دست‌آورد.

در نقشه فرهنگی جهان در سال 2000، جایگاه کشورهای عربی به‌طور عام و مصر به‌طور خاص در سطوح بالای ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقا قرارداد (اینگلهارت و وازل، 2005:63)؛ حتی در میان گروه‌های مذهبی، جوامع مسلمان در سطوح منفی ارزش‌های ابراز وجود و سطوح بالای اقتدار سنتی قراردادند (اینگلهارت و وازل، 2005:68). در رگرسیون ارزش‌ها و دموکراسی نیز، کشورهای عربی و اسلامی با حداکثر میزان 30 درصد ارزش‌های ابراز وجود، دارای حداکثر نمره 15 در میزان دموکراسی هستند (اینگلهارت و وازل، 2005: 154-155). از نظر اینگلهارت و وازل، کشورهایی با نمره مصر (ابراز وجود 29 و دموکراسی 5)، نوعی استثنای معنی‌دار هستند که نسبت به ارزش‌های ابراز وجود از سطوح دموکراسی پایین‌تری بهره‌مندند.

در گزارش‌های خانه آزادی، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در رده «کشورهای فاقد آزادی» با میانگین 2 درصد دسته‌بندی شده‌اند؛ اما در این گزارش‌ها، وضعیت آزادی در کشورهای مصر و تونس، رشد صعودی داشته‌است. [3] تونس در شاخص توسعه انسانی، رتبه چهارم را داشته، مصر در رتبه چهاردهم قرارداد؛ بدین ترتیب اگر بخواهیم سنجه‌های خانه آزادی را ملاک قرار دهیم، باید رشد ارزش‌های ابراز وجود را دلیل کنش و اگر تحلیل‌های اینگلهارت را ملاک قرار دهیم، باید وجود ارزش‌های بقا را در شکل‌گیری کنش در مصر و تونس، مهم بدانیم؛ این تفاوت از گونه بررسی‌هاست. سنجه‌های انتخابی اینگلهارت و وازل برای اندازه‌گیری آزادی، دموکراسی و ارزش‌ها از نوع کیفی هستند؛ در صورتی که خانه آزادی، سنجه‌های کمی را مدنظر دارد؛ این بزرگ‌ترین ایراد وارد شده به گزارش‌های خانه آزادی است که اینگلهارت و وازل نیز به آن تاخته‌اند.

پی‌نوشت:

[1] . مخفف چهار واژه «ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد» است.

[2] . در فارسی، عبدالحسین نیک‌گوهر، آن را فهرست و علی مرشدی‌زاده، آن را چنته ترجمه کرده‌اند.

[3]. برای دسترسی به گزارش‌های خانه آزادی درخصوص خاورمیانه و شمال آفریقا رک:

<http://www.freedomhouse.org/regions/middle-east-and-north-africa/2011>

منابع

منابع فارسی

- احمدی، حمید (1390)؛ جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- اوتاوی، مارینا (1386)؛ گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی؛ برگردان سعید میرترابی؛ تهران: نشر قومس.
- اونیل، پاتریک (1385)؛ مبانی سیاست تطبیقی؛ برگردان سعید میرترابی؛ تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین (1384)؛ انقلاب و بسیج سیاسی؛ چ 6، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی گلی، اسماعیل (1384)؛ «اصلاحات در مصر»، خاورمیانه 5: ویژه اصلاحات در خاورمیانه؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: ص 157 تا 193.
- سعیدی، شیوا (1390)؛ «ریشه‌های اقتصادی قیام مصر»، ماهنامه بازار بین‌الملل؛ سال سوم، ش 11.
- شهرامنی، امیرمسعود و نازنین نظیفی (1391)؛ «مصر؛ از اعتراض تا انقلاب نیمه‌تمام»، همایش دو سال پس از انقلاب 52 ژانویه: درس‌ها و دستاوردها؛ تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه و انجمن علوم سیاسی ایران.
- کاساگراند، روی (1389)؛ «انقلاب پان‌عرب»، ماهنامه مهرنامه؛ برگردان شادی آذری؛ سال اول، ش 9، ص 108 تا 111.

- کوهن، آلوین استانفورد (1392)؛ تئوری‌های انقلاب؛ برگردان علیرضا طیب؛ چ 21، تهران: نشر قومس.

- گلدستون، جک (1387)؛ مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها؛ برگردان محمدتقی دلفروز؛ چ 2، تهران: کویر.

- نبوی، سید عبدالامیر (1389)؛ «بهار دموکراتیک عربی»، ماهنامه مهرنامه؛ سال اول، ش 9، ص 116 تا 118.

منابع انگلیسی

Abrel, David, (1966), The peyote Religion Among the - Navaho, Chicago, Aldine Press

Adorno, T. and Hotkheimer, M. (1969), Dialectic of - Enlightenment, New York, Seabury Press

Amin ,Samir(2011)," 2011: An Arab Springtime?" - (monthlyreview, Volume 63, Issue 05 (October

Blattman, Christopher & Edward Miguel(2010), "Civil - War", Journal of Economic Literature, No. 48:1,pp.3-57

Blumer ,Herbert, (1951),"Collective Behavior," in A. - M. Lee, ed., Principles of Sociology, New York, Barnes & Noble, pp. 67-121

Collier, Paul & Anke Hoeffler(2007), "Civil War" in - T.Sandler & K.Hartley(ed), the Handbook of Defense Economics, Elsevier:North Holland Publishing Co,V.2,pp.711-740

Della porta,Donatella and Mario diani(2006 (1999)), - social movement: in introduction ,second edition, Blackwell publishers

Durkheim Émile,(1997 (1893)),The division of labor -
in society, Translated by W. D. Halls, University of
.California Press

Gamson, William,(1990(1975), The Strategy of Social -
.Protest, Belmont, CA:Wadsworth

Giddens, Anthony, (2009 (1982)), Sociology, 6th -
Edition, Revised and updated with Philip W.
.Sutton,Cambridge, Polity Press

Huntington, s.p(1991), The Third -
Wave:Democratization in the late twentieth century.
.University of Oklahama Press

Inglehart, Ronald & Christian Wlzel,,(2005) -
Modernization, cultural change and democracy: the
human, development sequence, Cambridge university
.press

Jones, Eric L. (1985) The European Miracle: -
Environments, Economies and Geopolities in the History
of Europe and Asia (3rd ed.). Cambridge: Cambridge
.University Press

Maslow, Abraham (1987 (1954)), Motivation and -
.Personality. 3rd edition. New York:Harper and Row

Neveu, E, (2002), Sociologie des mouvements sociaux, -
.Paris, La Découverte

Park, R.E., Burgess, E.W. (1924). Introduction to the -
.Science of Sociology. Chicago: Univ. of Chicago Press

Sambanis,Nicholas(2004), "What Is Civil War? -
Conceptual and Empirical Complexities of an Operational
Definition Authors" ,The Journal of Conflict Resolution,

.Vol. 48, No. 6, pp. 814-858

Small, Melvin, & J. David Singer,(1982), Resort to - arms:International and civil war, 1816-1980, Beverly Hills,CA:Sage

Tarrow,Sidney,(1994),Power in Movement,Social - Movement, Collective Action and Politics, Cambridge, Cambridge University Press

Tilly , charles, (1984), “social movements and national - politics”, in Wright, C. and Harding,s. (eds), Statemaking and social movement, Ann Arbor, university Michigan .prss

Tilly , charles, (2004), Social Movements, 1768-2004 - ., Paradigm Publishers

Tonnies, Ferdinand(1995 (1887), community and - association, Translated by C.Loomis,London, Routledge .and Kegan Paul, pp.13-29

منابع الکترونیکی

- حملاوی، حسام (1390)؛ در

<http://www.wpiran.org/fa/articles/83-1390-04-09-20-30-13/1202-1390-05-22-21-23-09.html>

- منصور، شریف (2010)؛ «انقلاب فیسبوکی، کفایه، مبارزه برای دموکراسی و حکومت خوب در مصر»، مرکز بین المللی مبارزه بدون خشونت؛ در:

<http://nonviolent-conflict.org/index.php/movements-and-campaigns/nonviolent-conflict-summaries/1368>

نویسندگان:

سیدحسین اطهری: هیات علمی

سید عباس حسینی: مربی

دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام دوره 3، شماره 6، بهار و تابستان 1394.

ادامه دارد...

<http://fna.ir/J3BCIV>

(google_plus#/)

(instapaper#/)

(email#/)

(whatsapp#/)

(pocket#/)

(linkedin#/)

(<https://telegram.me/farsna>)

اخبار مرتبط

دولت، مردم و تلاش برای بقا (newstext.php?nn=13950204001586) - ۰۷:۴۳ - ۹۵/۰۲/۱۳

نظرات

دیدگاه‌های ارسال شده توسط شما، پس از تایید توسط خبرگزاری فارس در وب سایت منتشر خواهد شد
پیام‌هایی که حاوی تهمت یا افترا باشد منتشر نخواهد شد
پیام‌هایی که به غیر از زبان فارسی یا غیر مرتبط با خبر باشد منتشر نخواهد شد

نظراتان را بیان کنید



نام و نام خانوادگی

آدرس ایمیل

◀ کلید را به چپ بکشید

تنظیمات علاقه مندی های من

پربازدیدترین ها

- ◀ فرزاد حسنی: حساب‌مابادروغگویان سرپل صراط! (newstext.php?nn=13950219001668/)
- ◀ جدیدترین خبرها از «خان طومان» (newstext.php?nn=13950220000305/)
- ◀ وقتی داعش کم می‌آورد+ تصاویر (newstext.php?nn=13950220000042/)
- ◀ رشیدی: مدیریت باید در مورد «می‌آیم‌ها و نمی‌آیم‌های» مجیدی به ورزشگاه پاسخگو باشد/ رحمتی تمرکز تیم را گرفت (newstext.php?nn=13950219001644)
- ◀ رضایی: تقاصی سخت گرفته خواهد شد (newstext.php?nn=13950219001714/)



(<http://shop.mci.ir>)

بانک گردشگری
TOURISM BANK

tourismbank.ir

(<http://www.tourismbank.ir>)



ارتباط با ما (<mailto:info@farsnews.ir>) سخن ما ([aboutus/](#)) تبلیغات در سایت اعلام مشکل سایت
(http://instagram.com/fars_news) ([RSSLinks/](#))

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

Fars News Agency. All rights reserved 2016©

خبرگزاری فارس
Fars News Agency

